

تحقیقی پیرامون علل نفوذ چین در بازار صنعت فولاد ایران

مهدی افق‌ری

اقتصاد چین از اواخر دهه هفتاد قرن ۲۰ به تندی تغییر کرده و در حال رشد است. بر اساس برابری قدرت خرید، چین دارای دومین اقتصاد بزرگ جهان و یک بازیگر اصلی در اقتصاد جهانی است. حجم اقتصاد چین در سال ۲۰۱۲ (بلافاصله پس از اتحادیه اروپا و آمریکا یعنی در مقام سوم در جهان قرار گرفت. چنانچه رشد کنونی اقتصادی چین همچنان ادامه یابد، چین از نظر اقتصادی، در حال رسیدن به آمریکا یعنی بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است و باید خود را برای مقابله با پی آمدهای سیاسی و اقتصادی این موضوع آماده کند. این امر موجب نگرانی‌های عمده سیاسی خواهد شد زیرا این کشور بصورت نیروی به مراتب قوی‌تری در منطقه در آمده. بیش از ۵۰٪ مردم چین کشاورزند. صنعتگران ۲۴٪ و کارمندان و بازرگانان ۲۶٪ نیروی کار فعال این کشور را تشکیل می‌دهند. با این وجود حدود ۲۰۰ میلیون نفر از مردم چین با درآمد روزانه کمتر از یک دلار زندگی می‌کنند میلیون ها تن هنوز در فقر شدید زندگی می‌کنند و مشکلات زیربنایی نیز در چین ادامه دارد. صنایع اصلی چین بسیار گسترده و شامل محصولات آهن و استیل، ذغال سنگ، ماشین آلات، نفت و پتروشیمی، اسباب بازی، کفش و لوازم الکترونیکی است. برنج، گندم، سیب زمینی، ذرت، بادام زمینی، چای، ارزن، جو، کتان، ماهی و خوک فرآورده های اصلی کشاورزی هستند. صادرات عمده چین ماشین آلات، پوشاک، سوخت معدنی، مواد شیمیایی و واردات آن ماشین آلات مواد شیمیایی، آهن و استیل و سوخت معدنی است. بانک جهانی، وضعیت اقتصادی چین را مطلوب و محیط اقتصاد کلان این کشور را با ثبات توصیف کرده است توصیف کرده است. بانک جهانی آمار جدید را یک پیشرفت عمده توصیف کرده است با وجود افزایش میزان تولید ناخالص داخلی، نرخ سرانه تولید اقتصادی هنوز بسیار پایین است و برای اینکه چین به سطح کشورهای توسعه یافته برسد هنوز راه زیادی را باید طی کند. مقامات صندوق بین المللی پول معتقدند رشد مناسب دو کشور هند و چین باعث تعدیل تاثیرات گرانی نفت در منطقه آسیا شده است.

دلایل ۱۲ گانه تبدیل چین به قدرت اقتصادی جهان

راز موفقیت چین را باید در وحدت تصمیم‌گیری و حمایت قاطع دولت چین از اصلاحات اقتصادی که همسو و هماهنگ با اهداف مناطق آزاد است، دانست. از آغاز سال ۱۹۷۹ حزب کمونیست چین سیاست های اصلاحات و

درهای باز را که تنگ شیائوپنگ مطرح کرد به اجرا گذارد. پس از اجرای سیاست‌های اصلاحات و درهای باز به این طرف و همچنین ایجاد مناطق آزاد در این کشور، توسعه اقتصاد ملی و اجتماعی چین به دستاوردهای چشمگیری نائل آمده است. چهره این کشور دستخوش تغییرات تکان دهنده شد. این دوران از لحاظ وضعیت بهترین زمان پس از تأسیس جمهوری خلق و بهترین دوره برای مردم به لحاظ تامین منافع آنان به شمار می‌رود. نقش اصلی توسعه اقتصادی در کشوری مانند چین را باید در گسترش مناطق آزاد، تغییر تفکر اقتصادی و همسویی اقتصاد چین نمونه بارز این تغییر تفکر است. ملی این کشور با اقتصاد جهانی دانست. این کشور از ابزار منطقه آزاد به خوبی در راستای بازگشایی اقتصاد خویش بهره گرفته و توانسته با تغییر قوانین و مقررات در راه جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد فضای مناسب توسعه از تکنولوژی و علم کشورهای توسعه یافته بهره گیرد و با افزایش تعداد مناطق آزاد با سرعت بیشتری فضای درونی اقتصاد ملی را تغییر دهد و قوانین و مقررات و سیاست کلی اقتصادی را با شرایط اقتصاد جهانی هماهنگ و هم جهت سازد به طوری که در حال حاضر به لحاظ اقتصادی سومین اقتصاد جهان به شمار می‌رود. سیاست‌های اقتصادی چین که چنین رشد شتابانی را برای توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی این کشور به همراه داشته، سبب شده است در آمد سرانه ملی چین از ۱۳۰۰ دلار در ابتدای قرن بیستم به ۶ هزار دلار در انتهای سال ۲۰۰۸ افزایش یابد. چنانچه رشد کنونی اقتصادی چین همچنان ادامه یابد، چین از نظر اقتصادی، در حال رسیدن به آمریکا یعنی بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است و باید خود را برای مقابله با پیامدهای سیاسی و اقتصادی این موضوع آماده کند. این امر موجب نگرانی‌های عمده سیاسی خواهد شد، زیرا این کشور به صورت نیروی به مراتب قوی‌تری در منطقه در آمده است. در کشور چین ۸۸ میلیون نفر در امور مربوط به تجارت خارجی اشتغال به کار دارند. در حال حاضر مهمترین شرکای عمده تجاری چین اروپا - آمریکا - ژاپن - کشورهای عضو آسه آن - کره جنوبی - روسیه به شمار می‌روند و لیکن به طور عموم با همه کشورهای جهان حداقل روابط اقتصادی دارد. شرکت‌های خصوصی همچنین مالیات‌دهندگان بزرگی هستند و میزان مالیات آنها از سال ۲۰۰۰ تاکنون سالانه ۴۰ درصد افزایش یافته است، حال آنکه افزایش مالیات شرکت‌های دولتی کمتر از ۷ درصد بوده است. در ادامه این گزارش با اشاره به اینکه چین کمترین شکاف اطلاعاتی را داراست، تصریح شده است: بررسی‌ها نشان می‌دهد که این کشور نمونه‌مناسبی از نظر ارایه تجهیزات گسترده مخابراتی در مناطق روستایی است که به مردم امکان می‌دهد به آسانی به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی دسترسی پیدا کنند. این کشور پر جمعیت هم چنین از ایالات متحده در زمینه تعداد کاربران اینترنتی و تعداد مشترکان خدمات شبکه‌سراسری در سال ۲۰۰۵ سبقت گرفت. این شکاف اطلاعاتی کم باعث افزایش سهم دولت الکترونیک و در کنار آن افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های توسعه کشور می‌شود. عضویت در سازمان تجارت جهانی و آزاد سازی تجارت در استان‌های چین آن هم به طور تدریجی نیز

در این گزارش مورد توجه قرار گرفته است. مناطق آزاد تجاری چین و ویژگی های ژئواکونومیکی آن مناطق آزاد از اهمیت خاصی در توسعه اقتصادی چین محسوب می شوند. به منظور سرعت بخشیدن به این برنامه ها، این کشور ۴ منطقه ساحلی را به عنوان مناطق ویژه اقتصادی اعلام کرد که این مناطق هم اکنون پس از طی فرآیند موفقیت آمیز و سازنده شان به ۲۰۰۰ منطقه ویژه اقتصادی افزایش یافته است. بخش غیر دولتی فعال چین در این مناطق شرکت های خارجی خارج از مقررات داخلی چین براساس نظام سرمایه داری و مقررات ویژه این مناطق سرمایه گذاری نموده و از معافیت های خاص مالیاتی بهره مند شدند. پیش بینی می شود روند رشد و توسعه اقتصادی چین یک روند باثبات و مداوم باشد و اقتصاد چین بتواند نقش ایفا کند. مهم و راهبردی در اقتصاد جهان طی قرن چین هم اکنون یکی از بزرگترین شرکای تجاری اتحادیه اروپا به شمار می رود. افزایش حضور چین و کالاهای ساخت این کشور در بازارهای اروپا و آمریکا، نگرانی شدید مقام های آمریکایی و اروپایی را در بر داشته است. به هر حال امروزه مناطق استراتژیکی جهان با دیدگاه اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. به همین دلیل می توان ویژگی های ژئواستراتژیکی چین را رشد اقتصادی بالا، دارا بودن جمعیت فعال اقتصادی و تولید ناخالص ملی بالا، عنوان بزرگترین مصرف کننده سوخت فسیلی در جهان پس از آمریکا، قرار گرفتن در یکی از مناطق استراتژیکی جهان یعنی شرق و جنوب شرقی آسیا، قرار گرفتن در بین دو منطقه استراتژیکی جهان یعنی روسیه و هند، دارا بودن بیش از ۲۰۰۰ منطقه آزاد تجاری که در اقتصاد جهانی نقش بسزایی دارند، داشتن بالاترین ذخیره ارز و طلا در جهان عنوان کرد.

چین به دلیل مولفه های ذیل یک کشور استراتژیکی و ژئواکونومیک است:

در مجموع می توان چنین عنوان نمود که:

۱. چین سیاست های عملگرایانه ای برای حفظ ثبات در منطقه، کسب منافع بیشتر اقتصادی و افزایش تأثیرگذاری سیاسی، بدون مصالحه بر سر منافع حیاتی، "است" در پیش گرفته و همه اینها معطوف به تداوم توسعه اقتصادی و ثبات سیاسی.
۲. تغییر وضع موجود بین المللی را از طریق رعایت قواعد نظم موجود و بازی در درون این قواعد، پیگیری می کند.
۳. جمعیت زیاد و وسعت کشور
۴. ایجاد حدود ۲۰۰۰ منطقه آزاد تجاری با قوانین خاص آن مناطق و بنادر مجهز به بارگیری با حداکثر ظرفیت
۵. واقع شدن بین دو کشور استراتژیکی و ژئواکونومیک روسیه در شمال و هند در جنوب
۶. واقع شدن در منطقه استراتژیکی جنوب و شرق آسیا
۷. واقع شدن بین اقیانوس آرام و اقیانوس هند

۸. به اعتقاد برخی از کارشناسان، در حال حاضر کشورهایی می توانند در جهان مطرح باشند که تکنولوژی برتری نسبت به سایر کشورها داشته باشند و چین چنین پتانسیل و برتری دارد (رشد شگفت‌انگیز اقتصادی و ثبات سیاسی در چین را می‌توان معلول یک عامل اساسی دانست و آن حصول اجماع نظر میان نخبگان این کشور پیرامون استراتژی کلان چین است که با توجه به درکی واقع‌بینانه از محیط داخلی و بین‌المللی، شرایط را برای بهره‌گیری از پتانسیل‌های داخلی و خارجی در جهت افزایش قدرت ملی فراهم آورده است).
۹. عضویت در سازمان های مهم بین المللی و منطقه ای مانند سارک و شانگهای و تاثیر گذاری مستقیم در این سازمان ها
۱۰. در حوزه آسیا چین یک رویکرد کم خطر را برای مواجهه با مسائل بین‌المللی اتخاذ کرده است
۱۱. دسترسی به آب های آزاد جهان از طریق دریای چین
۱۲. همسایگی با یکی از قدرت ها و قطب های اقتصادی جهان یعنی ژاپن.

عامل اصلی پیشرفت صنعت فولاد چین، چه بوده است؟

توسعه و پیشرفت صنعت فولاد چین به حدود ۱۰ سال قبل و همزمان با گشودن دروازه‌های این صنعت به روی خصوصی سازی بازمی‌گردد؛ به گونه‌ای که این کشور در طول این سال‌ها با تولید ۱ میلیارد و ۶۰۷ تن فولاد در صدر تولیدکنندگان این محصول در جهان قرار گرفته است. کارشناسان معتقدند منشاء توسعه فولاد چین استفاده از تمام واحدهای کوچک و متوسط برای دستیابی به ظرفیت‌های تولید بود؛ به طوری که پس از آنکه دولتمردان این کشور به نقش فولاد در اقتصاد دنیا پی بردند حمایت از این محصول را در اولویت قرار دارند، این در حالی بود که چین برای تولید فولاد وابستگی زیادی به سنگ آهن کشورهای دیگر همچون استرالیا، برزیل و... داشت. سیاست‌های حمایتی دولت چین برای تمام تولیدکنندگان فولاد این کشور یکسان نبوده و دولتمردان بیشتر حمایت از فولادی‌های متوسط و کوچکی را سرلوحه کار خود قرار داده بودند که در تولید فولاد از روش‌های ابداعی استفاده می‌کردند؛ به طوری که این شرکت‌ها فقدان منابع گازی و گندله سنگ آهن را با بهره گرفتن از منابع داخلی زغال حرارتی و کنسانتره جبران کرده بودند. دولت برای کاهش هزینه‌های اقتصادی مابقی واحدهای کوچک فولادی را تعطیل کرد. البته بعضی از شرکت‌های کوچکی که سنگ آهن مورد نیاز تولید فولاد را از معادن محلی تامین یا با فرآوری سنگ آهن وارداتی در چرخه اقتصاد چین بازی گردانی کردند همچنان به بقای خود ادامه دادند. بنابراین تولید بالای

فولاد در چین تنها منوط به حمایت دولت نیست، بلکه روش های ابداعی شرکت های کوچک در تولید مواد اولیه تاثیر قابل ملاحظه ای در توسعه صنایع فولادی این کشور داشته است.

شرکت های چینی با فرآوری درآمذزایی می کنند

یک کارشناس سنگ آهن معتقد است؛ در چین ۳ دسته شرکت فولادی وجود دارد؛ شرکت های بین المللی فولاد که عمده سنگ آهن مورد نیاز خود را از برزیل و استرالیا وارد می کنند و به بازارهایی چون ایران وارد نمی شوند، زیرا شرکت های ایرانی نمی توانند در تامین مقدار مصرف مورد نیاز آنها تضمین بدهند. این شرکت ها به دلیل قدرتی که در بازار جهانی دارند با حمایت اسپانسرهای خود شرکت های دیگر کشورها را خریداری می کنند. شرکت های متوسط چینی با حمایت دولت فعالیت می کنند و سنگ آهن عیار پایین وارد می کنند که پس از فرآوری به شرکت های بزرگ تر چینی می فروشند. شرکت های کوچک تولید فولاد این کشور نیز علاوه بر فرآوری به معادن محلی دسترسی دارند و زنجیره تولید در فولاد چین را کامل می کنند. می توان گفت بهترین نگاه به فولاد بهینه سازی صادرات است. در بحث تولید همواره سودده بودن صادرات صنعت مدنظر است، به طوری که بعضی مواقع با وجود اینکه ایران فولاد وارد می کند برخی از شرکت های داخلی در شرایطی که کشش بازار داخلی منفی است، اقدام به صادرات می کنند. به گفته خلیفه سلطان؛ برای پیشرو بودن در صنعت فولاد ابتدا باید هزینه تمام شده محصول نهایی را کاهش داد مانند اقدامی که شرکت های برزیلی و استرالیایی می کنند. این کشورها با به کارگیری روش های بهینه در کشف ذخایر، کاهش هزینه استخراج و فرآوری به رقبای اصلی تامین مواد اولیه فولاد چین تبدیل شده اند.

نشانه گیری دامپینگ چین به بازار بیلت ایران

تعرفه واردات فولاد در حالی رو به افزایش است که ورود دامپینگ چین به بازار داخلی ایران بسیاری از تولیدکنندگان و سرمایه گذاران واحدهای بیلت سازی یکی از محصولات فولادی را با زیان دهی شدیدی مواجه کرده است. ورود دامپینگ چین و ناتوانی تولیدات داخلی فولاد در برابر واردات سبب شده برخی تولیدکنندگان محصولات فولادی با مشکل روبه رو شوند. این روزها تولیدکنندگان بیلت چین تصمیم گرفته اند تخفیف های بیشتری به خریداران خود بدهند و ترکیه به رغم کاهش های ادامه دار قیمت این محصول و با توجه به اینکه خود سازنده این محصول فولادی است، بررسی ها نشان می دهد بیشترین خریدها را از این عرضه کنندگان چینی دارد. این روزها انجمن تولیدکنندگان فولاد برای افزایش مجدد نرخ تعرفه در تلاش است اما چه زمانی این سیاست در

تعرفه گذاری اعمال شود هنوز مشخص نیست. حال که بسیاری از واحدهای تولیدی بیلت به دلیل عرض اندام دامپینگ با مشکل مواجه شدند باید دید تصمیم سازان دولت برای افزایش نرخ تعرفه واردات محصولات فولادی چه تصمیمی دارند؟

ضربه چین به بازار جهانی فولاد

حال و روز بازار فولاد همچون سایر بازارهای کالایی چندان مساعد نیست، چرا که مدتی است بازار نفت به عنوان دماسنج اقتصاد جهانی که نبض بازارها را در دست دارد با افت و خیزهای بسیاری روبه‌رو است و عمدتاً در سرایشی نزول حرکت کرده است. از سوی دیگر شرایط اقتصادی چین نیز به عنوان بزرگ‌ترین مصرف کننده اغلب بازارهای کالایی، چندی است از مسیر رشد خارج شده و کاهش‌های متوالی را در کارنامه خود ثبت کرده است. در این میان، یکی از مهم‌ترین بازارهایی که تحت تاثیر اوضاع اقتصادی اژدهای زرد قرار دارد، بازار فولاد است که تاثیر دوجانبه‌ای بر سنگ آهن دارد. در مدت اخیر، دولت چین در راستای حمایت از تولیدکنندگان داخلی و کمک به بهبود نرخ رشد اقتصادی، اقدام به اجرای تصمیمات چندسویه‌ای گرفت که از این میان می‌توان به کاهش واردات از یکسو و اعطای تسهیلات به تولیدکنندگان داخلی برای افزایش میزان تولیداتشان از سوی دیگر اشاره کرد. البته از چند هفته گذشته و در پی استمرار روند نزولی نرخ رشد اقتصادی چین و نیز عدم تطابق سود حاصل از تولید به دلیل تفاوت بالای هزینه‌های تولید با قیمت کنونی بازارهای جهانی، بسیاری از تولیدکنندگان فولاد چین اقدام به کاهش تولیدات خود کرده‌اند. بنابر جدیدترین گزارش‌های رسمی، میزان تولید فولاد جهانی در ماه گذشته میلادی افتی نزدیک به ۴/۴ درصد را تجربه کرده که رقم بالایی است. همچنین حجم تولید فولاد جهانی در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته میلادی کاهش‌های شدیدی بیش از ۳ درصد را ثبت کرده است.

فولاد بیشترین استفاده را در بخش ساخت و ساز و نیز صنعت خودرو دارد که اصولاً در بخش مسکن بالاترین نرخ رشد مربوط به کشورهای در حال توسعه است که در تلاش برای بهبود روند شهرسازی خود هستند. این در حالی است که آمار و ارقام از کاهش شدید مصرف فولاد همگام با تولید آن در مقیاس جهانی خبر می‌دهند که خبر خوشایندی برای فعالان این صنعت نیست.

افت تقاضای چین برای فولاد به همراه کاهش مصرف در این کشور از مهم‌ترین فاکتورهای کمک کننده به این روند نزولی است. براساس جدیدترین آمارهای موجود، بهای فولاد از روز ۱۹ اکتبر (۱۷ مهر ماه) سال جاری پس از طی حدود ۱۰ روز که افزایش‌های گام به گام را به خود دید، نهایتاً روی قیمت ۲۲۰ دلار بر هر تن ثابت ماند و

کماکان نیز در همین محدوده مورد دادوستد قرار می گیرد. قیمت فولاد چین در محدوده های کاهشی در نوسان است که همین موضوع همچنان به عنوان اهرم فشار روبه پایین از میزان نگرانی های موجود در این بازار می کاهد. در شرایطی که بحران موجود گریبانگیر دومین اقتصاد بزرگ جهان شده، بازار فولاد با مازاد شدید روبرو شده است. براساس جدیدترین گزارش ها، بهای میلگرد فولاد در بورس فیوچرز شانگهای، با کاهشی چشمگیر رقم کم سابقه هزار و ۷۳۳ یوان چین (حدود ۲۷۲ دلار) را در آخرین معاملات خود به ثبت رساند و به پایین ترین میزان خود در بیش از چهار ماه اخیر رسید.

با توجه به اینکه چین، تولید حدود ۸۰۰ میلیون تن فولاد در سال را به خود اختصاص می دهد، یعنی درست چهار برابر بیشتر از میزان تولید هر کشور دیگری تا کنون، این صنعت همچنان از معضل وجود مازاد شدیدی حدود ۴۰۰ میلیون تن رنج می برد که عمده ترین دلیل آن، کاسته شدن از سرعت ساخت و ساز در این کشور است. با توجه به اعلام جدیدترین آمارها از سوی انجمن آهن و فولاد چین، میزان مصرف ظاهری فولاد در کشور اژدهای زرد، به عنوان بزرگ ترین تولیدکننده و مصرف کننده در جهان، در ۱۰ ماه اول سال جاری میلادی، افتی به بزرگی ۵/۷ درصد را تجربه کرده و به سطح ۵۹۱ میلیون تن کاهش یافت. رکود موجود در قیمت فولاد، همچنین بازار سنگ آهن را نیز هدف قرار داده است. در آخرین معاملات انجام شده، بهای سنگ آهن برای تحویل فوری به بندر چینگدائو در محدوده قیمتی ۴۵ دلار در هر تن، مورد دادوستد قرار گرفته که در نزدیکی پایین ترین میزان ثبت شده ۴۴ دلار و ۱۰ سنت در ماه آگوست به شمار می رود.

نشانه هایی از دورنمای صعود اندک

اوان لوکاس، استراتژیست بازار، IG در این خصوص به خبرنگار سی.ان.بی.سی گفته است: «اگر چه آمارهای مبتنی بر جداول و نمودارهای رسمی نشان می دهد که بازار فلزات با شرایط پیچیده ای روبه رو بوده و از عوامل کاهشی اشباع شده است، اما کارخانه های تولید فولاد چین نه تنها به این شرایط به عنوان زمان بهینه برای خرید سنگ آهن نگاه نمی کنند، بلکه مصرف کنندگان بزرگ نفت و مس نیز از این فاکتور به عنوان دلیلی محکم برای خریدهای بیشتر یاد نمی کنند. از دید این دسته از فعالان و نیز بسیاری از تحلیلگران به نظر می رسد این شرایط به منزله یک تله قیمتی است، چرا که تحلیلگران فاندمنتال، براین باورند که اکنون زمان فروش است و این روند را دنبال خواهند کرد.» براساس گزارش ها، بروز رکود در بازار فولاد چین، شرکت تانگشان سانگتینگ که تولیدکننده آهن و فولاد است را وادار به توقف تولید کرده است. این شرکت، با ظرفیت سالانه ۵ میلیون تن، یکی از بزرگ ترین

تولیدکنندگان فولاد بخش خصوصی در چین است. شرکت تانگشان، در شرق پکن واقع شده و حجم تولید فولاد آن بیشتر از میزان تولید یک سال ایالات متحده آمریکا است.

دهها کارخانه کوچک تولید فولاد زیرمجموعه این شرکت عظیم، در خط مقدم کمپین مقابله با مازاد فولاد در چین بوده‌اند. پکن، متعهد شده است تا میزان ظرفیت فولاد خام سالانه خود را در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ میلادی به میزان ۲۸ میلیون تن کاهش دهد که حدود یک پنجم از کل میزان تولیدات آن است. این تعهد در راستای کاهش فشار مازاد عرضه و نیز کنترل آلودگی هوا اتخاذ شده که بیشتر توسط زغال‌سنگ مورد استفاده در صنعت فولادسازی ایجاد می‌شود. ماریو لونگی، مدیرعامل شرکت یواس استیل در گفت‌وگو با شبکه CNBC گفت: «با ادامه روند مازاد تولید، فولاد سازان چینی درصدد صادرات مقدار زیادی از حجم تولیدات خود به بازارهای دیگر در محدوده قیمت‌های پایین هستند که در واقع همان دامپینگ است و صدمه‌های بی‌شماری را بر بدنه این صنعت وارد خواهد آورد. به‌عنوان مثال، ایالات متحده، حجم واردات سالانه فولاد خود را طی چند سال گذشته با دو برابر رشد از میزان ۲۰ درصد به حدود ۴۰ درصد رسانده است، این در حالی است که رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) این کشور تنها در سطح ۲ درصد قرار دارد.